



سند منتشر نشده از جنایات کودتاگران ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

تهران مخوف

وضع عادی شهید شده بودند. به طور کلی سنین مقتولین بین ۱۴ و ۳۰ سال بود و وضع رقت‌بار اجساد، هر شخص قسی‌القلبی را دچار انقلاب می‌کرد. ابتدائاً روده‌های بیرون ریخته و جرمه‌های متلاشی‌شده جلب توجه می‌کرد، ولی وقتی مشاهده شد جوانی اساساً سر ندارد و طبق نظریه پزشک قانونی، سن او ۲۰ ساله تشخیص داده شد و جوانی ۱۸ ساله که بدن از شکم به پایین نداشت؛ متلاشی بودن جرمه‌ها منظره ناچیزی بنظر می‌آمد. دست چپ جوانی در حدود ۲۰ ساله به کلی متلاشی که فقط به پوست بند بود در برابر جسد جوان ۱۸ ساله‌ای مشاهده علامت‌های متلاشی را مجسم می‌نمود و این مناظر اسفناک وقتی دهن‌های باز، زبان‌هایی از دهان خارج شده، چشمانی بی‌نور با لباس‌های خون‌آلود به حدی ایجاد رقت می‌کرد که کمتر کسی تاب مقاومت دیدن داشت.

پس از تدوین صورت‌جلسه و صدور جواز دفن ۲۶ جسد که منظره عمومی آن به شرح بالا بود، اجساد ۱۰ نفر از نظامیان را از بیمارستان شماره دو ارتش به گورستان آوردند که اجساد سرهنگ بایندر و ستوان دوم پیاده مهدی مظاهری در بین اجساد هشت نفر درجه‌دار و سرباز مشاهده می‌شد که این اجساد نیز به وسیله آقای دکتر میرحقیقی پزشک قانونی معاینه و صورت‌جلسه معاینه تنظیم و پروانه دفن صادر شد.

در گورستان مسگرآباد، ضجه جگرخراش پدران، مادران، برادران، خواهران و اولاد شهدا که عزیزان خود را از دست داده بودند، صحنه را غم‌انگیزتر می‌ساخت. زنانی در بین اجساد دنبال جگرگوشه خود می‌گشتند و اطفالی در جست‌وجوی مشاهده جسد پدر خود بودند، شهدایی که سرباز بودند و از سربازان گارد شاهنشاهی نیز بین آنان وجود داشت که لیخندی بر لبان آنان نقش بسته بود، رستگاری آنها را در پیشگاه خداوند و وفاداری آنان را به سوگندی که در برابر بزرگ ارتشتاران فرمانده یاد کرده بودند در نظر مجسم می‌نمود.

در خاتمه، تعداد مقتولین به شرح بالا، آن تعدادی است که اینجانب در گورستان مشاهده نموده و صورت‌جلسه معاینه آنان را نیز شخصاً در گورستان امضا کرده‌ام که علاوه بر تعداد بالا، مأمورین دیگری اجساد را معاینه کرده و صورت‌جلسه مربوطه را تنظیم و امضا کرده‌اند که در پرونده امر بایگانی است.

سرگرد پیاده سیاوش بهزادی

تهران روز ۲۸ مرداد با چراغ سبزر ارتش مطیع سرلشگر زاهدی، در تسخیر اوباشی بود که مأموریت‌شان ایجاد رعب و وحشت و سرکوب مخالفان بود. یکی از اسناد انگلستان که بافاصله زمانی کمی پس از این واقعه تنظیم شده از «جمعیتی حدوداً ۳ هزار نفره از مردان مسلح به چوب و چماق» یاد می‌کند که اوباش سرشناس بین‌شان حضور دارند و در سطح شهر می‌چرخند و شعار می‌دهند و به هرجایی دل‌شان بخواهد حمله می‌کنند. برخی گزارش‌های تاریخی، چهار دسته اوباش را نام می‌برند که هر یک در این روز در منطقه‌ای از تهران دست به راهپیمایی و آشوب زده‌اند.

عصر نوبت خانه مصدق بود. بنابر این گزارش «اول جمعیتی انبوه به منزلش حمله کردند اما با آتش مسلسل عقب رانده شدند؛ کلی آدم کشته و مجروح شدند. دومین حمله که با همراهی و پشتیبانی سربازان طرفدار زاهدی انجام شد، باز ناکام ماند. این بار تانک‌های سنگین شرمین به محل رسیدند و خانه را به توپ بستند، حدود ۶ بعد از ظهر دیگر دفاع مسئولان حفاظت خانه در هم شکست و در خانه ویران شد. بعد جمعیت داخل ریختند، هر آنچه بود را به تاراج بردند و ساختمان را به آتش کشیدند. با خانه کناری هم، که منزل پسر دکتر مصدق بود، همین کار را کردند. عصر همه زندانیان آزاد شدند و سرلشگر زاهدی قدرت را در دست گرفت.»

هرچند، چند روز بعد، پزشکی قانونی آمار کشته‌شدگان این روز را ۴۶ نفر اعلام می‌کند، اما جزئیات بیشتری از این مسأله اعلام نمی‌شود. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی برای نخستین بار سندی از اوضاع رقت‌بار اجساد قربانیان این روز را منتشر می‌کند که گویای عمق فاجعه‌ای است که توسط هواداران شاه در تهران رقم خورده است. این سند در واقع، گزارش نماینده دادستان فرمانداری نظامی تهران از اوضاع گورستان مسگرآباد، یک روز پس از کودتا است. متن کامل این سند به شرح زیر است:

تیمسار دادستان ارتش گزارش

محرماً معروض می‌دارد در ساعت ۹ صبح روز بیست و نهم مردادماه ۱۳۳۲ اینجانب به نمایندگی دادستان فرمانداری نظامی برای معاینه اجساد مقتولین واقعه بیست و هشتم مردادماه به اتفاق آقای دکتر سپهر پزشک قانونی و سه نفر از بازپرسان فرمانداری نظامی (سرکار سرگرد دکتر فروزین-سرکار سرگرد جم‌زاد-سرکار سرگرد دکتر میرفرخانی) در گورستان مسگرآباد حضور به هم رسانیدم و در بدو امر در سالن، ۲۶ جسد از مقتولین روز بیست و هشتم مردادماه را مشاهده کردم که وضع عمومی سالن به شرح زیر بود؛

جنازه‌ها به موازات یکدیگر روی زمین چیده شده بود. تعداد کمی یا یک یا دو گلوله به



چند ماه پس از توفیق کودتا، محمد مصدق در محکمه نظامی محاکمه و به سه سال حبس محکوم شد



نمایی از حضور خیابانی عوامل کودتا در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



شعبان جعفری در کنار محمد رضا پهلوی



شعبان جعفری معروف به «شعبان بی‌مخ» او به دلیل حضور در خیابان‌ها در روز ۲۸ مرداد، لقب «تاج پخش» گرفت



گشت زنی فضل‌الله زاهدی در خیابان‌ها پس از احراز موفقیت کودتا



محمد رضا پهلوی چند روز پس از توفیق کودتا، به ایران بازگشت



فضل‌الله زاهدی پس از استقرار در محل رادیو برای ایراد نطق موفقیت کودتا



گفت‌وگوی محمد رضا پهلوی با خبرنگاران پس از بازگشت به ایران در حیات کاخ سعدآباد

یکی از اسناد انگلستان که بافاصله زمانی کمی پس از این واقعه تنظیم شده از «جمعیتی حدوداً ۳ هزار نفره از مردان مسلح به چوب و چماق» یاد می‌کند که اوباش سرشناس بین‌شان حضور دارند و در سطح شهر می‌چرخند و شعار می‌دهند و به هرجایی دل‌شان بخواهد حمله می‌کنند